



رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب حد و قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

*** مریم لطفی *** احمد رضا توحیدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی رشد و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب حد و قصاص است، زیرا از جمله موضوعاتی که در رابطه با کودک بزهکار سوال برانگیز است، سن مسئولیت کیفری وی است. در کشور ما سن رشد جزایی با سن بلوغ در جرایم غیر تعزیری منطبق است. بنابراین در ابتدا فرض بر رشد است و در رابطه با جرایم مستوجب قصاص و حد رشد و کمال عقل در دختر و پسر به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری مفروض انگاشته و در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است که دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقلی متهم می‌تواند از کارشناسان پزشکی قانونی کمک بگیرد، اما از آنجا که آزمون استاندارد و قابل اعتمادی برای تعیین رشد وجود ندارد، در واقع معیار مشخص و همگام با سیستم‌های بین‌المللی در اختیار نیست، ممکن است گرایش‌های ذهنی روانپزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی کشور در روند مصاحبه و معاینه تأثیر داشته باشد. در نتیجه با در نظر گرفتن اشکالات وارده مناسب‌تر است تا سن مشخصی به عنوان سن مسئولیت کیفری در جرایم مستوجب حد و قصاص در نظر گرفته شود تا در نتیجه آن بتوان هم سو با استانداردهای بین‌المللی پیش رفت.

واژگان کلیدی: رشد جزایی، مسئولیت کیفری، پزشکی قانونی، کمال عقل

*کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناس، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی
**دکتری حقوق بین‌الملل، عضو هیأت علمی دانشگاه قم
***کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

ارائه ملاکی مشخص برای آغاز دوره ای که با شروع آن برای فرد مجازاتی همانند بزرگسالان در نظر گرفته می‌شود و وی در قبال جرم ارتكابی‌اش مسئولیت تام کیفری خواهد داشت، در هر نظام حقوقی امری اجتناب ناپذیر است. اهمیت این مسئله ناشی از دو امر است، نخست آن که مسئولیت کیفری با حقوق و آزادی‌های فردی ارتباطی عمیق دارد. دوم آن که مسئولیت کیفری هنگامی که در قلمرو اطفال مورد بررسی قرار می‌گیرد که در آن عنصر طفولیت مطرح می‌باشد و بر حساسیت امر افزوده می‌شود. قانون مجازات اسلامی ایران حدود مسئولیت جزایی را با در نظر گرفتن دو دسته از جرائم تعزیری و غیر تعزیری (حدود- قصاص) و به صورت مجزا مشخص کرده است. از مسائل بسیار مهمی که توجه بسیاری از محققین، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان را به خود جلب کرده است، مسأله مجرمین کم سن و سال خصوصاً اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد که روز به روز در حال افزایش می‌باشد. اینکه کودک از نظر مفهومی به چه کسی اطلاق می‌شود و مراحل کودکی چیست تا سخن از حقوق وی به میان آوریم از ابعاد مختلف قابل طرح و بررسی است.

یکی از مهمترین مسائل در زمینه حقوق کودکان مسئله مسئولیت کیفری است. از جمله موضوعاتی که در رابطه با کودک بزهکار سوال برانگیز است، سن مسئولیت کیفری وی است، به عبارتی از چه سنی فرد دارای مسئولیت در رابطه با اعمال ارتكابی خود است، یعنی از چه سنی می‌توان کودک مجرم را دارای آن حد از توانایی ذهنی و درک دانست که به توان نتایج جرم ارتكابی او را به وی نسبت داد. موضوع سن کیفری از موارد بسیار مهم در امور قضایی است که منظور از آن پائین‌ترین سنی است که فرد به اندازه‌ای قدرت تمیز و تشخیص را بدست آورده که ماهیت اعمال مجرمانه و لزوم مجازات اینگونه اعمال را بداند. سن مسئولیت‌پذیری کیفری باید در قانون هر کشور تعریف گردد، و دیگر این که برای تعیین این سن باید بلوغ عقلی، هیجانی و روانی فرد مورد توجه قرار گیرد، و البته این که سن فوق نباید براساس بلوغ جسمی

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۱۳

تعریف گردد. در تمام قوانین کیفری سن مسئولیت کیفری به روشنی و یا با مثال و امارات تعیین شده است. از جمله چالش‌های دیگر این امر مسأله تدریجی یا دفعی بودن مسولیت کیفری است قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با پیروی از نظام تدریجی و دسته‌بندی اطفال به گروه‌های مختلف و در نظر گرفتن مسئولیت جزائی خاص هر گروه تغییرات قابل توجه را در رابطه با رشد جزایی داشته است قانون مجازات اسلامی ایران حدود مسئولیت جزایی را با در نظر گرفتن دو دسته از جرائم تعزیری و غیر تعزیری (حدود- قصاص) و به صورت مجزا مشخص کرده است. و در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است که؛ «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعمال یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند».

از آنجایی که روان پزشکان معیار کافی و کاملی برای این ارزیابی سن رشد جزائی در اختیار ندارند، با دشواری‌های زیادی در راه تعیین سن رشد روانی و به تبع آن رشد جزایی مواجهه هستند.

بی تردید تعیین سن مسئولیت کیفری از محورهای اساسی حقوق کیفری اطفال تلقی می‌شود. اهمیت این امر از آنجا ناشی می‌شود که با رسیدن به این مرحله نوجوان بزهکار در معرض همان مجازاتی است که بزرگسالان در صورت ارتکاب بزه، آن را تحمل خواهند کرد. بر مبنای چنین شرایطی قانونگذار سنی را نصاب مسئولیت کامل کیفری قرار داده‌اند که با رسیدن به آن، نوجوان به نوعی بلوغ جسمی و فکری توأمان و اصل و عرفاً مقارن با سن پذیرش مسئولیت اجتماعی محسوب می‌شود.

کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین کنش‌گران جرم، همواره باید مورد توجه متخصصین قرار گرفته و تا حد ممکن از ورود آن‌ها به قلمرو حقوق کیفری به عنوان بزهکار جلوگیری به عمل آید. به همین علت پژوهشگران درصدد ارایه راهکارایی برای مهار بزه توسط کودکان از رهگذر راهبردهای پیشگیری کنشی- قبل از وقوع جرم - و

۲۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

واکنشی - پس از وقوع جرم برآمده‌اند.^۱

قوانین ماهوی و شکلی مرتبط با حقوق اطفال به دقت و ظرافت خاصی تدوین کردند و این امر به دلیل ظرافت اطفال در جنبه‌های مختلف سنی و فکری و... است. سازمان جهانی حمایت کودکان در یک جمله کوتاه و رسا ولی کلی و فراگیر خاطر نشان می‌سازد که: «گر خواهان زندگی صلح‌آمیزی هستیم باید از کودکان شروع کنیم.»

مفهوم کودک در انگاره‌های مختلف

تعریف کودک و پایان سن کودکی همواره از مسائل مهم مورد توجه قانونگذار و حقوق‌دانان بوده است. علمای حقوق "طفل" یا "صغیر" را فردی دانسته‌اند که از نظر سن، قابلیت‌های جسمی و روحی لازم را برای زندگی اجتماعی بدست نیاورده است. همه نظام‌های حقوقی دنیا، کودک را به جهت این که از نظر بدنی و فکری ناکامل بوده و قوه درک و تشخیص را دارا نمی‌باشد و قادر به انجام امور خود نمی‌باشد، از تصرف در اموال خود ممنوع است تا این که در جریان رشد خود به مرحله‌ای از تکامل می‌رسد که تغییراتی در وضع او از نظر جسمی و روانی حادث می‌گردد که در عرف به آن بلوغ طبیعی گویند.^۲

صرف رسیدن کودک به مرحله بلوغ برای پایان یافتن دوران کودکی کافی نیست، بلکه شرط زوال آن رشد است. رشد را حقوق‌دانان کیفیات نفسانی دانسته‌اند که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر حسن یا قبح در «رشد جزایی» را تشخیص دهد. و منظور از رشد جزایی پایین‌ترین سن است که در آن فرد توانایی تمیز و تشخیص را در حدی به دست آورده که ماهیت اعمال مجرمانه و لزوم مجازات اعمال را بدست آورد. بنابراین چنانچه رشد جسمانی و رشد روانی در کودکی جمع گردد دوران کودکی

۱. منبع پیشین

۲. عباچی، مریم، «حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل»، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۸۸، ص ۱۲

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۱۵

خاتمه می‌یابد.^۱

طبق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون داخلی لازم الاجرا سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.^۲

کنوانسیون در تعریف کودک تنها معیار و ملاک تمایز وی از بزرگسالان را معیار سن قرار داده است در مجموع کنوانسیون:

(۱) کودک را فرد زیر هجده سال می‌داند.

(۲) کودک اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی است.

(۳) اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب نماید که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد.^۳

متون قانونی ایران فاقد ملاک واحد تعیین کننده پایان سن کودکی است. مطابق مقررات موجود طفل کسی است که بلوغ شرعی نرسیده است و سن بلوغ شرعی در کشور، برای دختر ۹ سال و برای پسر ۱۵ سال قمری است. با این حال رسیدگی به جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال همانند افراد نابالغ در دادگاه اطفال صورت می‌گیرد. با توجه به الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک، و هم راستا با قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ هجری شمسی، کودک فردی است که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده است.

بنابراین می‌توان گفت؛ از جنبه حقوقی کودک به فردی اطلاق می‌گردد که از نظر سنی به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد و از رشد عقلی

۱. اسماعیلی، فائزه، "تعریف کودک"، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۰، سال نهم، خرداد و تیر ۱۳۸۴

۲. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹

۳. صفایی، ح، قاسم زاده، م، «حقوق مدنی، اشخاص و محجورین»، چاپ هشتم، تهران، سمت، ۸۲، ص ۲۰۳ و ۲۰۴

و فکری لازم نیز برخوردار نباشد.

رشد

رشد در لغت به معنای هدایت است و آن مشخصه‌ای است در انسان که مانع از تضییع مال و صرف آن در راه‌های غیر عقلانی می‌شود، و از نظر حقوقی رشد کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) (حسن و قبح) در رشد جزائی را تشخیص دهد، در واقع به چنین کسی را رشید گفته می‌شود، و فاقد این وصف اگر به حد جنون نرسد و صغیر نیز نباشد سفیه خوانده می‌شود و صفت او را سفیه می‌گویند.^۱

بر حسب قوانین ایران هر شخصی به سن بلوغ برسد رشید است مگر خلاف آن احراز شود (ماده ۱۲۱۰.ق.م)، اما از نظر علمی همه افراد بالغ رشید نیستند، بلوغ یک پدیده بیولوژیک است که در پسران و دختران با علایم مشخصی تظاهر می‌کند، و رشد روانی یک فرآیند پیوسته است که ممکن است از زمان خاصی شروع شود اما تکامل آن در بی نهایت است؛ دشواری‌های زیادی در راه تعیین رشد روانی و به تبع آن رشد جزایی وجود دارد، اما روانپزشکان معیار کافی و کاملی برای این ارزیابی در اختیار ندارند.^۲ با توجه به اینکه رشد، امری تدریجی است و نمی‌توان در تعیین سن مسئولیت کیفری با اتخاذ شیوه‌ای جهشی، همه افراد را با رسیدن به سن معینی از شمول لفظ «کودک» خارج نمود، بنابراین می‌بایست سنی را به عنوان اماره‌ای نسبی در جهت تفکیک کودک و بزرگسال قرار داد. در تعیین سن مسئولیت کیفری، علاوه بر بلوغ جنسی و جسمی، به تحقق بلوغ در کودک از جنبه‌های دیگر نیز باید توجه شود.^۳

۱. نگهی مرجان، «مقابله با هرزه‌نگاری کودکان، بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین کیفری ایران»،

پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۱۳۵-۱۵۹

۲. مهاجرپور، امیرمحمد، دانش پرور، حمید رضا، «گزیده پزشکی قانونی برای قضات»، واحد آموزش و

پژوهش پزشکی قانونی استان تهران، ۱۳۹۰، صفحه ۳۴

۳. لیلا سادات اسدی، «بررسی مفهوم «کودک» با رویکردی به حوزه کیفری»، پیشین، صص ۵۶-۵۵.

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۱۷

بنابراین رشد در اثر قوای دماغی در شخص ایجاد می‌شود، و تشخیص این امر به وسیله آزمایش در اموری که مناسب با وضعیت اجتماعی او است به عمل می‌آید تا قدرت و استعداد او در ضمن اداره و تصرف او در امور مالی مشخص شود. چنانچه نمو عقلانی و جسمانی در شخصی پیدا شود معلوم می‌گردد که دوران کودکی او پایان پذیرفته است. شخصی که بالغ می‌شود یعنی به نمو جسمی رسیده است به معنای رشید نیست؛ زیرا به نمو روحی و عقلی لازم نرسیده است. اما به نظر می‌رسد همانطور که در امور دیگر بین افراد بالغ رشید و غیر رشید تفاوت است می‌توان آن را به امور کیفری و جزائی نیز سرایت داد. از آنجا که این افراد از حیث رشد هنوز به درجه بزرگسال نرسیده‌اند، از نظر جزائی نیز به مرحله مسئولیت تام کیفری نمی‌رسند و دارای مسئولیت محدود می‌باشند، و در صورت ارتکاب جرم و جنایت میزان مجازات و نوع مجازات می‌تواند متفاوت با افراد دیگر باشد.^۱

بنابراین هنگامیکه شخص به سنی رسیده باشد که بزرگسال تلقی شده و به طور تام مشمول حقوق کیفری بتواند قرار گیرد پس دارای مسئولیت تام کیفری است. در قانون مجازات اسلامی شخص وقتی دارای مسئولیت کیفری است که دارای شرایط چهارگانه، بلوغ، عقل، اختیار و آگاه به حرمت عمل باشد و اگر کسی در حین ارتکاب جرم فاقد یکی از شرایط باشد به علت فقدان مسئولیت کیفری از مجازات معاف خواهد بود. بنابراین ملاحظه می‌شود که رشد از شرایط احراز مسئولیت کیفری نیست.

بلوغ

بلوغ در لغت به معنی «کامل شدن هر چیزی و رسیدن است»^۲ و در اصطلاح به دومین مرحله از مراحل چهارگانه دوران حیات آدمی: «۱- کودکی ۲- بلوغ ۳- پیری ۴- مرگ» اطلاق می‌شود. انسان با رسیدن به سن بلوغ دچار یک سری تغییرات جسمی

۱. تدین، عباس، باقری نژاد، زینب، «سن مسوولیت کیفری در کشورهای اروپایی و ایران»، مجله تعالی حقوق، ۸۶، شماره ۱۸، صفحه ۳۲

۲. صانعی، پرویز، «حقوق جزای عمومی»، تهران، گنج دانش، ۷۱، صص ۲۶۴-۲۶۵

۲۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

می‌گردد. در حقیقت بلوغ دوران تکامل فیزیولوژیک در حیات آدمی است که به موازات رشد سریع ظاهری اندام‌ها، زمینه توانایی و استعداد اعضاء تناسلی برای انجام اعمال جنسی فراهم می‌شود. بعضی از نشانه‌های بلوغ عبارتند از: کشیدگی قد، رویدن موی زهار و زیر بغل، ریش و سبیل و خروج منی در حالت خواب یا بیداری تغییر صدا در پسران، بزرگ شدن پستان‌ها، حیض شدن در دختران، گرایش اطفال به آمیزش و معاشره با جنس مخالف و مشترکاً آمادگی برای تولد و تناسل است.

اما از نظر فقهی مراد از بلوغ بیش از همه بلوغ طبیعی است که به واسطه آن ویژگی‌های مردی یا زنی در فرد پدیدار می‌گردد. بنابراین مقصود از طفل کسی است که به حد بلوغ نرسیده است حد بلوغ در فقه نیز ۱۵ سال در پسر و ۹ سال در دختر می‌باشد.

بنابراین بلوغ یک پدیده طبیعی و جسمی است که با افزایش سن و رسیدن به مرحله تکامل قوای جسمی و نضج قوای جنسی حاصل می‌شود و گرچه تکامل جسمی نوعاً همراه با تکامل قوای دماغی و رشد قوه تمیز می‌باشد، اما لزوماً رسیدن به سن بلوغ جنسی به معنی رسیدن به قوه تمیز کامل و رشد عقلی نیست و این دو پدیده لزوماً توأمان به مرحله تکامل نمی‌رسند. صحیح است که ملاک رشد، چه رشد جزایی و چه رشد مدنی تکامل قوای دماغی و رسیدن به مرحله تشخیص حسن و قبح و ضرر و زیان است و لازم‌های نامبرده نیز همانند پدیده بلوغ نوعاً طی دوره کودکی و ورود به مرحله جوانی است، اما باید این دو پدیده را از هم تفکیک کرد. زیرا پدیده بلوغ جنسی و جسمی و پدیده رشد عقلی و قوه تمیز از دو جنس متفاوت و با معیار سنجش و اندازه‌گیری متفاوت می‌باشند و به اصطلاح نمی‌توان هر دو را با یک معیار اندازه گرفت. بنابراین به صرف ظهور علائم بلوغ جنسی نمی‌توان حکم به رشد عقلی و کمال قوای دماغی داد، چه بسا افرادی به سن بلوغ برسند ولی قوه تشخیص و تمیز آنان تکامل لازم پیدا نکرده باشد و از این حیث همانند صغیر قادر به تشخیص حسن و قبح و یا ضرر و زیان نباشند و چون ملاک

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۱۹

مسئولیت کیفری که ناشی از توجه خطاب‌های شارع و قانونگذار به شخص می‌باشد قوه تمیز و رشد عقلی است و نه صرفاً بلوغ جسمی و جنسی، در نتیجه تا این قوه به حد و رشد و کمال نرسد و شخص توانایی تمیز و تشخیص پیدا نکند، توجه امر و نهی شارع و قانونگذار به او بر خلاف عقل و عدالت خواهد بود پس تحمیل مجازات و عقوبت او نیز صحیح نبوده و خلاف عقل و عدالت است. فقهای ما در مورد ارتباط بلوغ و رشد (مدنی) نوعاً توجه به این مسأله داشته‌اند و صرف رسیدن به سن بلوغ را برای حصول رشد (مدنی) کافی ندانسته‌اند.^۱

اما با این وجود، تعجب از قانونگذار محترم است که با اصلاح ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی^۲، صرف بلوغ جنسی را برای رشد کافی دانسته و در این سن اصل را بر رشد قرار داده مگر خلاف آن ثابت شود. در ماده ۱۲۱۰ سابق (مصوب ۱۳۰۴) چنین آمده بود: «هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد».

گرچه سن ۱۸ سالگی هم دلالت قطعی بر رشد ندارد و اصولاً رشد عقلی و رشد جسمی دو پدیده متفاوت بوده که همزمانی آن‌ها اگرچه غالبی است اما لزوماً سن ۱۸ سالگی به معنای رشد عقلی و تشخیص ضرر و زیان مالی و امثال آن نمی‌باشد، ولی به هر حال سن ۱۸ سال اماره مناسب‌تری از سن بلوغ برای رشد می‌باشد، و سن بلوغ نمی‌تواند دلیلی بر رشد افراد باشد بدین ترتیب به صرف رسیدن اطفال به سن‌های یاد شده (۸ سال و ۹ ماه شمسی در دختر و ۱۴ سال و ۶/۵ ماه شمسی در پسر) اصل بر این است که به حد رشد عقلی و قوه تشخیص ضرر و زیان مالی و به اصطلاح عقل معاش رسیده‌اند، مگر خلاف آن ثابت شود. این مطلب نه با مبانی عرفی رشد تطبیق می‌کند و نه با مبانی شرعی و فتاوی فقها و اصولاً بلوغ و رشد

۱. اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۱۰۶

۲. ماده ۱۲۱۰ - هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

۲۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

لازم و ملزوم همدیگر نیستند تا گفته شود سن بلوغ مجوزی برای رشد است. دیوانعالی کشور در جهت رفع نقص ماده ۱۲۱۰ اصلاحی و جبران اشکالات وارده بر این ماده و خصوصاً تعارض تبصره ۲ آن با اصل ماده و ایجاد وحدت رویه بین محاکم اقدام به صدور رأی وحدت رویه‌ای در سال ۱۳۶۴ نمود که در آن چنین آمده است: «ماده ۱۲۱ قانون مدنی اصلاحیه ششم دی ماه ۱۳۶۱ که علی القاعده رسیدن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرارداده و خلاف آنرا محتاج به اثبات دانسته، ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط به خود می‌باشد، مگر در مورد امور مالی که به حکم تبصره ۲ ماده مرقوم مستلزم اثبات رشد است.^۱»

اگرچه در این رأی وحدت رویه به این نکته مهم تأکید شده است که بلوغ و رشد دو مفهوم جداگانه و مستقل از هم بوده و رسیدن به سن بلوغ اماره رشد در امور مالی نمی‌باشد، بلکه صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ همچنان از حیث امور مالی محجور می‌ماند تا رشد او ثابت گردد و از طرفی رأی مذکور تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ را که فقط ناظر به تحویل اموال صغیر است، به کلیه امور مالی او تسری داده است، لیکن اشکال اساسی همچنان پابرجاست و این تعبیر رأی هیأت عمومی دیوان که «ماده ۱۲۱۰ ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط به خود می‌باشد، مگر در امور مالی»، به تعبیر یکی از حقوقدانان و محققان متضمن این نتیجه است که دختر نه ساله بتواند درباره انتخاب همسر و جدایی از او، رفتن به مدرسه و انصراف از آن، تعیین محل اقامت، تابعیت و مذهب خود به طور مستقل تصمیم بگیرد. اهمیت این امور کمتر از اداره دارایی نیست و در سرنوشت او و خانواده‌اش اثر فراوان دارد. چنین اختیاری برای پسر پانزده ساله نیز گزاف است و او را در معرض خطرهای گوناگون جسمی و معنوی قرار می‌دهد. اما اشکال مهمتری که وجود دارد، این امر است که چنین فردی که اجازه دخل و تصرف در امور مالی خود را ندارد و معاملات وی، ولو جزئی

۱. قربانی، فرج الله، «مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور (مدنی)»، تهران، انتشارات فردوسی، ۸۱ صفحه ۲۴۹.

رشد جزایی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۲۱

باید با اجازه و تنفیذ ولی قهری یا قانونی و شرعی او باشد، براساس قوانین جاری کشور، به لحاظ کیفری همانند افراد بزرگسال، مسئولیت تام داشته و مجازات‌های قصاص و حدود را بر وی قابل اجرا دانست و با توجه به اینکه براساس قاعده مسلم حقوقی؛ «اذن در شیء، اذن در لوازم آن است»، وقتی دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله را قانون مدنی بالغ محسوب می‌کند و دیوانعالی کشور هم در رأی وحدت رویه صریحاً اعلام می‌کند که منظور ماده ۱۲۱۰ دخالته آنان (نوجوانانی که به سن بلوغ برسند) در هر نوع امور مربوط به خود آنهاست، مگر در مورد امور مالی، بدین ترتیب نوجوانان پس از رسیدن به سن‌های یاد شده می‌توانند در محاکم به عنوان مدعی و مدعی‌علیه وارد دعوا شوند و اقرار آنان در حق خودشان نافذ می‌باشد و علی‌القاعده حق طرح دعوی و دفاع از آنان نیز به خود آنان واگذار شده و مثلاً اگر دختر ۹ ساله‌ای اقرار به زنا کرد حد برای او جاری می‌شود و به همین نحو در سایر جرائم مستوجب حدود و قصاص در حالیکه افراد در این سن و سال نوع ادراک ناچیز و ناقصی از جرایمی همچون زنا و کذب داشته و اصولاً قوه تمیز و تشخیص آنان به میزانی که بتوانند واقعاً اعمال مجرمانه را تشخیص داده و ماهیت امر و نهی‌های قانونی و شرعی را درک کنند، کامل نشده و چه بسا توانایی و قوه تشخیص آنان در امر خرید و فروش بعضاً به مراتب بیشتر از درک مسائل کیفری با آن همه پیچیدگی روزافزون این مسائل باشد و اینکه اقرار چنین فردی ولو یکبار، به صرف اینکه به سن بلوغ رسیده است و مجنون هم نمی‌باشد در عمدی بودن قتل ارتكابی موجب قصاص نفس گردد، مطلبی است که با موازین عدالت و رویه و سیره عقلاء تطبیق نمی‌کند.

بنابراین تفکیک مسأله بلوغ و رشد اعم از جزایی و مدنی کاملاً ضروری است و همان طوری که در مسأله رشد مدنی و خصوصاً در امور مالی مورد پذیرش قانونگذار و هیأت عمومی دیوانعالی کشور قرار گرفته است، در مسأله رشد جزایی نیز ضرورت این تفکیک و تعیین سن معینی به عنوان یک اماره مسلم ولو از باب غلبه

۲۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

دلالت بر رشد جزایی نماید، ضروری است.^۱
در واقع قانونگذار ایران از متغیرهای مؤثر در تحقق مسئولیت کیفری اعم از تمیز، بلوغ و رشد، فقط بلوغ را مورد توجه قرار داده است. لذا قوه تمیز که عامل مؤثری در تحمیل مسئولیت کیفری به کودک قبل از بلوغ است، مورد عنایت قانونگذار واقع نشده است و همچنین رشد جزایی که لزوماً در همه افراد همراه با بلوغ حاصل نمی‌شود، نادیده گرفته شده است.^۲

مسئولیت کیفری چیست؟

به طور کلی مسئولیت یعنی تعهد به پاسخگویی به نتایج حاصل از عمل خود از نظر حقوق جزا. اما در تعریف مسوولیت کیفری اتفاق نظر وجود ندارد، ولی تعاریف گوناگون حقوقدانان نتیجتاً منتهی به یکی از تعاریف ذیل می‌شود که عبارتند از:

۱- مسئولیت کیفری عبارتست از «قابلیت» یا «اهلیت» شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود.^۳

۲- مسئولیت جزایی عبارت است از انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاص که با انجام بزه، به قوانین جزایی خواه به عنوان مباشر و خواه به عنوان شرکاء و معاونین به عمد تجاوز کرده‌اند و توان تحمل بار مجازات یا احتمالاً اقدامات تأمینی و تربیتی را در قبال فعل یا ترک فعل خود دارند.^۴

۳- مسئولیت کیفری عبارت است از تحمیل رفتار مجرمانه بر شخص.

۱. رهامی، محسن، «رشد جزایی»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۸۱، صفحه ۱۸۴-۱۸۳

۲. فرزین راد، رویا، «تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران»، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۸۶، صفحه ۱۴۶

۳. صانعی، پرویز، «حقوق جزای عمومی»، تهران، گنج دانش، ۷۱، صص ۲۶۴-۲۶۵

۴. دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور، «مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوانعالی کشور مربوط به سال ۷۴»، چاپ دوم، تهران، چاپ روزنامه رسمی کشور، ۷۹، صفحه ۲۱۳

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۲۳

از لحاظ کیفری وقتی شخص مسئول به حساب می‌آید که میان فعل مجرمانه و وی یک رابطه علل و معلولی وجود داشته باشد از سوی دیگر مجرم باید دارای شرایط تکلیف و صلاحیت انتساب مانند بلوغ، عقل، اختیار و علم و آگاهی باشد تا بتوان او را مسئول شناخت. لذا منظور از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات صالح قضایی معلوم گردد که مرتکب جرم از نظر رشد جسمی و عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آنچنان اهلیتی بوده که می‌توان رابطه علیت بین جرم آن جام یافته و فاعل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود.

بنابراین می‌توان سن مسئولیت کیفری را این طور تعریف نمود:

"سنی است که اطفال تا قبل از آن سن، از مسوولیت کیفری مبری بوده و نمی‌توان با آن برخورد جزائی نمود."^۱

از جمله عوامل تام رافع مسئولیت کیفری، اطفال هستند. بدین منظور که؛ جزء عوامل تام هستند یعنی هیچ شرط خاصی برای رفع مسئولیت وجود ندارد و فقط داشتن یک سن خاص شرط است.

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده ۱۴۵ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.» و ماده ۱۴۶ ق.م.ا. سن بلوغ شرعی را نه سال و پانزده سال تمام قمری به ترتیب در دختران و پسران تعیین نموده است. لذا می‌توان گفت در این قانون نیز شرط عدم مسئولیت کیفری سن می‌باشد.

مسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات اسلامی

از نظر دین مبین اسلام ملاک مسئولیت انسان و توجه تکالیف و خطابات شارع مقدس عقل اوست و بدون وجود عقل اصولاً توجه تکلیف خطاب شارع و اوامر و نواهی شرعی بی معنی خواهد بود، به همین دلیل به اشخاص فاقد عقل تکلیفی متوجه

۱. آشوری، محمد، «عدالت کیفری (مجموعه مقالات)»، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۷۶

۲۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

نمی‌باشد و منظور از عقل قوه تشخیص و تمیز انسان است که حقایق اشیاء و واقعیت امور و حسن و قبح اعمال و آنچه که به خیر و صلاح است به وسیله آن فهمیده می‌شود.

با این وجود هرکس که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند، لزوماً مسئول شناخته نمی‌شود بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوء نیت یا تقصیر جزایی باید دارای اهلیت و خصوصیت فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. پس وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد، یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفری حاصل نسبت دادن و قابلیت انتساب است و منظور از آن این است که؛ بر مقامات قضایی معلوم گردد که مرتکب جرم از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده دارای آنچنان اهلیتی بوده که می‌توان رابطه علیت بین جرم آن جام یافته و فاعل آن را برقرار نمود.^۱

اما هنگامیکه قانونگذار، سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری یا همان سن رشد جزایی مشخص می‌کند به طور ضمنی این پیام را می‌رساند که، کودک در این سن به آن حد از بلوغ رسیده است که بتوان او را مسئول رفتارهایش دانست.^۲ لازم به ذکر است که دو نوع نظام مسئولیت کیفری برای اطفال در رویه قضایی کشورها وجود دارد، گونه‌ای که مسئولیت کیفری اطفال به صورت یکباره کامل می‌شود به این صورت که فرد تا سن مشخصی که قانون مشخص می‌کند کودک تلقی می‌شود، بنابراین تا آن سن دارای مسئولیت کیفری نیست به عنوان مثال؛ پایین‌ترین سن رشد جزایی در کشورهای اردن، نیجریه و سوئیس ۷ سالگی اعلام شده است و در کشورهایی چون اتریش، آرژانتین، کوبا و مراکش سن ۱۶ سال را به عنوان سن مسئولیت کیفری پذیرفته شده

۱. بیگلری فرد، الهام؛ «مسئولیت کیفری اطلاعات و داده‌های مجرمانه در فضای سایبر»، فصلنامه قانون یار، ۱۳۹۶، صفحه ۵۳

۲. محقق هرچقان، علیرضا، «سن مسوولیت کیفری از منظر جرم‌شناسی»، نشر دادگستر، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۱۶۴

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۲۵

است.^۱

این در حالی است که قوانین ایران در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ از این نظریه پیروی نموده بود، زیرا اطفال تا رسیدن به سن بلوغ فاقد مسئولیت کیفری بودند و پس از آن مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کردند و در این رابطه تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و غیرتعزیری وجود نداشت. اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ تغییرات زیادی در زمینه مسئولیت کیفری اطفال داشته است و از نظام دسته دوم پیروی می‌کند بدین صورت که مسئولیت کیفری به تدریج کامل شده، به این نحو که تا نه سالگی فرد مطلقاً دارای مسئولیت کیفری نبوده و بعد از آن سن مسئولیت‌پذیری طفل دسته‌بندی می‌شود. باید اذعان داشت که نظام تدریجی بودن مجازات از این نظر که مسئولیت کیفری در آن همگام با افزایش قوه ادراک شخص کامل می‌شود، عادلانه‌تر است.^۲

بررسی سن رشد در برخی از کشورها

۱۸	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۰	۹	۸	۷
سالگی	سالگی	سالگی	سالگی	سالگی	سالگی	سالگی	سالگی	سالگی	سالگی
بلژیک	آرژانتین	چک	بلغارستان	الجزایر	کانادا	نیپال	عراق	سريلاند	استرالیا
مکزیک	آذربایجان	دانمارک	آلمان	گابن	هندورا	سیرالئون	اتیوپی	بریتانیا	ایرلند
اروگوئه	کوبا	صرب	ایتالیا	لهستان	مراکش	نیکاراگوئه	فیلیپین	اسکاتلند	سوریه
ونزوئلا	اندونزی	نروژ	ژاپن	روسیه	اوگاندا			سنگاپور	سودان
پرو	اسپانیا	سوئد	چین	رومانی					نیجریه

۱. حسینی آهق، مریم، مهرپور، حسین، «رابطه بلوغ با مسئولیت کیفری»، پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی، ۸۹، شماره ۶، صفحه ۴۶

۲. سوادکوهی، فرسام، کاظمی، سید علی، «مسئولیت کیفری تدریجی دختران»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۸۸، شماره ۴۵، صفحه ۲۶۸-۲۲۵

کویت				توگو	ویتنام	فنلاند	شیلی	اکوادور
لبنان					لیبی	مالدیو	پرتغال	پاناما
پاکستان					اتریش	سودان	بلاروس	

منظور از مسوولیت کیفری تدریجی؛ حد فاصل بین سن مسوولیت کیفری و بلوغ کیفری است، به عبارت دیگر سنین مسوولیت کیفری نسبی و مطلق دوره‌ای ارفاقی و ویژه است که دادرسی ویژه نوجوانان در آن معنا می‌یابد. در این دوره به ندرت ضمانت اجراهای کیفری به اطفال و نوجوانان مرتکب بزه تحمیل می‌شود و واکنش‌های کیفری عمدتاً جنبه آموزشی و اجتماعی دارد.^۱ بنابراین در نظام تدریجی دو مفهوم حداقل سن مسوولیت کیفری و سن بلوغ کیفری از یکدیگر متمایز می‌شوند، حداقل سن مسوولیت کیفری، حداقل سنی است که از نظر نظام عدالت کیفری فرد را می‌توان در دادگاه کیفری محاکمه نمود. اما این به آن معنا نیست که بتوان با او همانند بزرگسالان رفتار نمود، اما سن بلوغ کیفری سنی است که فرد مسوولیت کیفری کامل داشته و می‌توان با او همانند یک بزرگسال رفتار کرد.^۲

در فصل دوم بخش چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ موانع مسوولیت کیفری بیان شده است، ماده ۱۴۶ تصریح دارد: «افراد نابالغ مسوولیت کیفری ندارند.» ماده ۱۴۷ سن بلوغ را در دختران و پسران به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری دانسته است. این قانون مانند قانون قبلی طفل را کسی می‌داند که نابالغ باشد و در ماده ۱۴۷ سن بلوغ شرعی در امور کیفری را به صراحت بیان نموده است. در ماده ۱۴۸ نیز آمده است: «در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود.» علاوه بر این چند ماده، در فصل دهم از بخش دوم قانون مجازات

۱. فرهی، بابک، «آئین دادرسی کیفری»، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نوین، ۹۳.

۲. صبوری پور، مهدی، علوی صدر، فاطمه، «سن مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۹۴، صفحات ۱۹۴-۱۷۱.

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۲۷

اسلامی تدابیری بسیار متفاوت با قانون قبلی در زمینه اعمال مجازات نسبت به اطفال اندیشیده شده است.

چند نکته اساسی در این چند ماده وجود دارد که ایرادات قانون قبلی را تا حد زیادی مرتفع می‌نماید:

۱- در قانون قبلی طفل به کسی گفته می‌شد که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد، ولی در قانون جدید صرفاً از لفظ نابالغ استفاده شده است و لفظ بلوغ شرعی حذف شده است.

۲- در قانون جدید سن بلوغ تعیین شده است و ایراد عمده قانون قبلی که برای تعیین سن مسئولیت باید به قانون مدنی رجوع می‌شد مرتفع گردیده است.

۳- قانون قبلی اطفال نابالغ را عملاً دارای مسئولیت کیفری می‌دانست و همان گونه که قبلاً اشاره گردید، مواردی از تنبیه بدنی در مورد این اطفال در قانون پیش‌بینی شده بود. در ق.م.ا جدید التصویب اشاره به اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد اطفال شده است که گام مهم در جهت حمایت و اصلاح اطفال و پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد.

۴- فصل دهم قانون مجازات اسلامی در زمینه برخورد با اطفال بزهکار، آن‌ها را به طبقات سنی تقسیم نموده و متناسب با هر طبقه اقدامات متناسبی پیش‌بینی شده است و در زمینه اعمال مجازات‌ها تفکیک جنسی برداشته شده است.

اقدامات قابل اعمال در برابر کودکان و نوجوانان

همان طور که گفته شد، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مسوولیت کیفری اطفال تابع نظام تدریجی است و برای گروه‌های سنی مختلف مجازات خاصی در نظر گرفته شده است.

ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد که: "در مورد افراد نابالغ بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود." این بدان معناست که از نظر قانونگذار، اطفال می‌توانند عنصر معنوی لازم برای جرم را داشته

۲۲۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

باشند و مرتکب جرم شوند اما به دلیل عدم توانائی تشخیص (حسن و قبح) و یا فقدان توانائی در کنترل رفتارهای خود، قابل مجازات نیستند.^{۱۱}

منظور از مقررات این فصل، فصل دهم از کتاب اول این قانون می‌باشد که از ماده ۸۸ تا ۹۵ بوده و در زمینه اعمال مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد. در این فصل افراد زیر ۱۸ سال طفل محسوب می‌شوند و به گروه‌های سنی ۹ تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال تقسیم شده‌اند، و البته قانونگذار تفکیک بین دختران و پسران را برای مجازات حذف کرده است.

بنابراین دسته بندی مجازات‌های قابل اعمال بر هر گروه سنی نیز متفاوت بوده و به شرح ذیل تقسیم بندی می‌شود:

۱- اطفال بین ۹ تا ۱۲ سال:

در این دسته فرقی بین ارتکاب جرم تعزیری و جرم مستوجب حد یا قصاص نیست و دادگاه می‌تواند حکم به یکی از اقدامات مندرج در بندهای الف تا ث ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوی ۱۳۹۲ دهد.

۲- نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۵ سال:

در این دسته قانونگذار بین جرائم مستوجب تعزیر و جرائم مستوجب حد یا قصاص تفاوت قائل شده است. بدین شرح که در مورد جرائم تعزیری، دادگاه حکم به یکی از اقدامات مندرج در بندهای الف تا ث می‌دهد ولی در مورد ارتکاب جرم مستوجب حد یا قصاص، دادگاه فقط می‌تواند حکم به اقدامات مندرج در بند ت یعنی اخطار و تذکر کتبی یا بند ث یعنی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال بدهد.

۳- نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال:

در این مورد نیز بین ارتکاب جرائم تعزیری و مستوجب حد یا قصاص تفاوت

۱. جمشیدی، علیرضا، «گفتمان سیاست جنائی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، فصلنامه حقوقی دادگستری، ۸۲، شماره ۴۵، صفحه ۱۰۲-۶۱

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۲۹ وجود دارد.

در مورد جرائم تعزیری، دادگاه می‌تواند حکم به یکی از اقدامات مندرج در بندهای الف تا ث ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی بدهد.

در مورد ارتکاب جرم مستوجب حد یا قصاص، ماده ۹۱ در حکمی متفاوت مقرر می‌دارد که در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آن‌ها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.

تبصره: دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند استفاده کند.

همانطور که مشخص است قانونگذار بین مجازات جرایم تعزیری و غیرتعزیری تفاوت قایل شده و این در صورتی است که مجازات جرایم حدود و قصاص (غیر تعزیری) بسیار سنگین‌تر از جرایم تعزیری و حتی در مواردی جبران‌ناپذیر است.

در نهایت باید بیان داشت که، در کشور ما سن رشد جزایی با سن بلوغ شرعی در جرایم غیر تعزیری منطبق است و فقط در صورتی نمی‌توان بلوغ را مترادف با رشد دانست که این موضوع توسط دادگاه احراز شده باشد بنابراین در ابتدا فرض بر رشد است و با توجه و استناد به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که بیانگر قاعده دراء می‌باشد:

"هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود" بنابراین بر طبق این قاعده اعمال مجازات در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم محل تردید است منتفی می‌باشد.^۱

۱. نجفی توانا، علی، «سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۸۴، شماره، صفحه ۱۱۳

۲۳۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

اما واضح است که در اجرای قانون با توجه به ابهام موضوع رشد و پیوستگی تناتنگ آن با فاکتورهای اپیدمیولوژیک وجود دارد ضرورت یک ارزیابی همه جانبه و معاینات و مشاهدات مکرر از وضعیت روانی و رفتاری طفل را ایجاد می‌کند. در حال حاضر از آن جای که آزمون استاندارد و قابل اعتمادی برای تعیین رشد وجود ندارد به عبارت بهتر در واقع معیار مشخص و همگام با سیستم‌های بین‌المللی در اختیار نیست، ممکن است گرایش‌های ذهنی روانپزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی کشور در روند مصاحبه و معاینه تأثیر داشته باشد.

نتیجه گیری

در نهایت می‌توان به عنوان جمع‌بندی نهایی اینطور بیان داشت که؛ یکی از مسائل مهم در حقوق کشورها تعیین سن مسئولیت کیفری می‌باشد، تعیین سن خاصی به عنوان سن مسئولیت مطلق کیفری، می‌تواند به منزله عدم امکان تعیین تدابیر کیفری و اصولاً عدم امکان دخالت مقامات قضایی در رسیدگی به جرائم ارتكابی اطفال تلقی گردد. تعیین یک سن مشخص به لحاظ تفاوت فیزیکی، ژنتیکی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افراد که در رشد آن‌ها مؤثر است کار بسیار مشکلی است. باید متذکر شد که، بین بلوغ به معنای ظهور علائم جسمانی با وصف بلوغ شرعی که فراتر از ظواهر خارجی و مستلزم احراز عقل و قوه درک است فرق اساسی وجود دارد^۱ در قانون

۱. مبحث «بلوغ شرعی» برعکس بلوغ از نظر فقها دارای اوصاف مشخص نمی‌باشد. بسیاری از فقها از لفظ بلوغ شرعی حالتی را مد نظر قرار دارند که فرد با رسیدن به آن مقطع می‌تواند توالد و تناسل کند و بعضی علائم طبیعی و یا رسیدن به سن خاص را ملاک بلوغ قرار داده‌اند. فقهای معاصر لفظ «بلوغ شرعی» را معادل رسیدن به حد تکلیف و سن تکلیف را ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران می‌دانند. قانون مدنی نیز با اقتباس از همین نظر سن بلوغ را تعیین نموده است هر چند در ماده ۱۲۱۰ و تبصره آن تعارض وجود دارد و این اختلاف ناشی از تفاوت نظر تدوین کنندگان آن است، زیرا صرف ظهور علائم جسمانی خاص طبق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی دلیل رشد است در حالی که تبصره دو همین ماده ظهور علائم بلوغ را معیار رشد نمی‌داند. رشد یا شایستگی عقلانی، جز با تجمع رشد جسمانی و رشد و نمو عقلانی و روحی احراز نمی‌شود و اگر فرد دارای این دو شرط باشد معلوم می‌گردد که

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۳۱

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هر چند سن بلوغ برای پسران و دختران همانند قانون قبلی می‌باشد ولی تفاوت عمده در شیوه اعمال مجازات بین جرایم تعزیری و غیرتعزیری اطفال بزهکار دیده می‌شود بدین صورت که در مجازات جرایم تعزیری بر طبق مواد ۸۷ تا ۹۴ اطفال به سه طبقه تقسیم می‌شوند: ۹ تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال. اما در رابطه با جرایم غیر تعزیری (حدود و قصاص) سن بلوغ با در نظر گرفتن دختر و پسر بودن متهم به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری در نظر گرفته شده است و در همین سن است که متهم را دارای مسئولیت کیفری دانسته و در غیر مواردی که برای دادگاه برای کمال عقلی فرد شبهه ایجاد شود مجازات اعمال می‌شود. اما حتی در فرضی که به استناد تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی برای دادگاه شبهه ایجاد شود و فرد برای تشخیص رشد و کمال عقلی به پزشکی قانونی ارجاع داده شود باز هم این امر خالی از اشکال نیست چرا که معیار و آزمون مشخصی برای روانپزشکان قانونی موجود نیست تا بر طبق آن و همسو با استانداردهای بین‌المللی رشد کودک مورد رد یا تردید قرار بگیرد و ممکن است در مواردی احساسات و تجربیات پزشک متخصص نیز در تصمیم‌گیری ملاک عمل قرار گیرد، یا حتی بعضاً مواردی پیش می‌آید که از زمان ارتکاب جرم تا زمان دستگیری زمان نسبتاً زیادی یا گاه سال‌ها صرف شود در این موارد رشد و کمال عقلی مرتکب به چه صورت قابل ارزیابی خواهد بود. اگرچه در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ تغییرات مشهود و قابل تقدیری در رابطه با تعیین سن رشد جزایی صورت گرفته است، که از جمله آن‌ها از بین رفتن تفاوت سن رشد جزایی در جرایم تعزیری بین دختر و پسر می‌باشد. اما کماکان نیاز به برطرف کردن ایراداتی چون نابرابر بودن سن بلوغ کیفری، منظور سنی که فرد را بتوان

دوران صغارتش تمام گردیده است.

بنابراین معلوم می‌گردد بین بلوغ به معنای ظهور علایم جسمانی با وصف بلوغ شرعی که فراتر از ظواهر خارجی و مستلزم احراز عقل و قوه درک است فرق اساسی وجود دارد و همین امر باعث صدور مجازات‌های سنگین برای اطفال تازه بالغ می‌شود.

۲۳۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

دارای مسئولیت تام در رفتارش دانست، در رابطه با جرائم غیر تعزیری (قصاص و حد) احساس می‌شود بدین توضیح که در جرائم تعزیری مسئولیت کیفری فرد تا ۱۸ سالگی کامل نشده این در حالی است که در جرائم مستوجب حد و قصاص اگرچه مجازات آن‌ها بسیار شدیدتر از مجازات جرائم تعزیری است اما سن رشد جزائی کمتر است به این صورت که دختران در ۹ سالگی تمام قمری و پسران در ۱۵ سال تمام قمری دوران کودکی پایان می‌یابد و این امر بسیار سوال برانگیز و تعجب‌آور است، از طرف دیگر با توجه به ماده ۹۱ ق.م.ا در صورتی که دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل نابالغ زیر ۱۸ سال نیازمند تشخیص متخصصین باشد از روانپزشکان قانونی مدد می‌جوید اما این در حالی است که به دلیل عدم معیاری مشخص ممکن است نتوان نظر واحدی داشت. لازم به ذکر است که با توجه به تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و استفاده از واژه نابالغ می‌توان نتیجه گرفت که کودکی که به سن نه سال نرسیده است برای ارتکاب جرائم تعزیری، تحت هیچ عنوانی مجازات نمی‌شود ولو در غالب تنبیه، اما در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص از سوی او، امکان مجازات او بر طبق بندهای «الف» تا «پ» ماده ۸۸ وجود دارد. این در حالی است که حدود و قصاص که از نظر جرائم تعزیری دارای تبعات سنگین‌تری هستند باید در رابطه با طفل و نوجوان دارای اقدامات خفیف‌تری به نسبت جرائم تعزیری باشند و عجیب است که در رابطه با ارتکاب جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص یا حد است، چرا مسئولیت کیفری شدیدتری برای طفل در نظر گرفته شده است، بدین منظور که سن مسئولیت کیفری در اینگونه جرائم کمتر است، ولی سن مسئولیت کیفری در رابطه با جرائم تعزیری تا ۱۸ سال بدون در نظر گرفتن جنسیت کامل نمی‌شود اما در رابطه با جرائم حدی و قصاص که احتمال درک آن توسط مرتکب زیر ۱۸ سال بسیار ضعیف است، مسوولیت کیفری برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری در نظر گرفته شده است، و این مساله خود نیازمند بازنگری از سوی قانونگذار می‌باشد. به نظر می‌رسد که تعیین سن واحدی به عنوان سن رشد بدون در نظر گرفتن

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۳۳

جنسیت طفل و البته به صورت مشترک برای هر دو دسته جرایم غیر تعزیری و تعزیری می‌تواند در رفع اشکالات فوق‌الذکر کارآیی داشته و همگام با قوانین بین‌المللی پیش رفت.

۲۳۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

منابع

۱. اسدی، لیلا سادات، بررسی مفهوم «کودک با رویکردی به حوزه کیفری»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳۸۶
۲. اسماعیلی، فائزه، "تعریف کودک"، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۰، سال نهم، خرداد و تیر ۱۳۸۴
۳. آشوری، محمد، «عدالت کیفری (مجموعه مقالات)»، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۷۶
۴. بیگلری فرد، الهام؛ «مسئولیت کیفری اطلاعات و داده‌های مجرمانه در فضای سایبر»، فصلنامه قانون یار، ۱۳۹۶
۵. تدین، عباس، باقری نژاد، زینب، «سن مسوولیت کیفری در کشورهای اروپایی و ایران»، مجله تعالی حقوق، ۸۶، شماره ۱۸
۶. جمشیدی، علیرضا، «گفتمان سیاست جنائی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، فصلنامه حقوقی دادگستری، ۸۲، شماره ۴۵
۷. حسینی آهق، مریم، مهرپور، حسین، «رابطه بلوغ با مسوولیت کیفری»، پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی، ۸۹، شماره ۶
۸. دفتر مطالعات و تحقیقات دیوانعالی کشور، «مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوانعالی کشور مربوط به سال ۷۴»، چاپ دوم، تهران، چاپ روزنامه رسمی کشور، ۷۹
۹. سوادکوهی، فرسام، کاظمی، سید علی، «مسوولیت کیفری تدریجی دختران»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۸۸، شماره ۴۵
۱۰. صانعی، پرویز، «حقوق جزای عمومی»، تهران، گنج دانش، ۷۱
۱۱. صبوری پور، مهدی، علوی صدر، فاطمه، «سن مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۹۴
۱۲. صفایی، ح، قاسم زاده، م، «حقوق مدنی، اشخاص و محجورین»، چاپ هشتم،

رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی.....۲۳۵

تهران، سمت، ۸۲

۱۳. عباچی، مریم، «حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل»، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۸۸

۱۴. فرزین راد، رویا، «تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران»، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۸۶

۱۵. فرهی، بابک، «آئین دادرسی کیفری»، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نوین، ۹۳
۱۶. قربانی، فرج الله، «مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور (مدنی)»، تهران، انتشارات فردوسی، ۸۱

۱۷. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹

۱۸. محقق هرچقان، علیرضا، «سن مسوولیت کیفری از منظر جرم شناسی»، نشر دادگستر، تابستان ۱۳۹۰

۱۹. محقق هرچقان، علیرضا، صابری، سید مهدی، «زمینه یابی تعیین حداقل سن کسب قدرت کنترل و بکارگیری هیجانان برای حل مشکلات در جوانان ایرانی (مبنای پیشنهادی برای تعیین سن مسوولیت کیفری)»، فصلنامه پزشکی قانونی، ۹۰، شماره ۶۱
۲۰. مهاجرپور، امیرمحمد، دانش پرور، حمیدرضا، «گزیده پزشکی قانونی برای قضاات»، واحد آموزش و پژوهش پزشکی قانونی استان تهران، ۱۳۹۰

۲۱. نجفی توانا، علی؛ «سن مسوولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین المللی»، فصلنامه دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴

۲۲. نجفی توانا، علی، «سن مسوولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین المللی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۸۴ محمدی، اصغر، «بررسی تطبیقی سن مسوولیت کیفری در جهان»، فصلنامه دادرسی، شماره ۵۹